

## همکاری سیاسی ایران و شورای همکاری خلیج فارس

غفار زارعی<sup>۱</sup>، ابراهیم ارم<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران. (نویسنده مسئول)

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لامرد، ایران.

### چکیده

همکاری و تقابل سیاسی میان ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس با توجه به بحران ها و پیامدهای منطقه ای در دوره ریاست جمهوری حسن روحانی از اهداف اصلی و مهم تحقیق می باشد. در این دوره تقریباً چهارساله مسائل سیاسی منطقه با تقابل گرایشی شدید بخصوص با تاکید بر ژئوپلیتیک شیعه و سنی وارد مرحله جدیدی گردید. دولت ایران با اهداف کاهش تنش ها و حل مسالمت آمیز دعاوی و اختلافات منطقه ای بدنبال ایجاد و گسترش همکاری های سیاسی نوینی در منطقه خاورمیانه بخصوص حوزه خلیج فارس می باشد. در این راستا دو کشور مهم و کلیدی ایران و عربستان با رویارویی در مساله یمن، بحرین و سوریه بدنبال دسته بندی های جدید سیاسی در میان بازیگران منطقه ای از یکسو و حفظ و گسترش قدرت منطقه ای در جهت حفظ موقعیت استراتژیک خود از سوی دیگر می باشند. فرض اصلی این است که همکاری های سیاسی با توجه به بحران های سیاسی منطقه و تنش های بوجود آمده کاهش یافته و طرفین به دنبال محدودیت و محصور نمودن عملکرد رقبا سیاسی می باشند. عربستان با حمله به جنبش بحرین و یمن و حمایت تروریست ها در سوریه از ایجاد دولت های طرفدار ایران جلوگیری می نماید.

**واژه های کلیدی:** ایران، امنیت، پرونده هسته ای، شورای همکاری خلیج فارس.

## مقدمه

ماهیت شکل‌گیری شورای همکاری خلیج فارس<sup>۱</sup>، واکنشی به تحولات داخلی ایران بوده است. امروز نیز پس از گذشت چند سال ماهیت وجودی شورای همکاری خلیج فارس در تقابل با ایران شکل می‌گیرد. (واعظی، ۱۳۸۹: ۹۶) آغاز بهار عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا زمینه مناسبی برای تغییر معادلات قدرت را فراهم آورده است. فرار بن علی از تونس و سقوط مبارک در مصر کافی بود تا محور عربستان در منطقه به شدت متزلزل شده و امنیت اسرائیل نیز بطور جدی مورد تهدید واقع گردید. در این سوی میدان ایران به عنوان رقیب و قدرت اصلی منطقه ای آماده می‌شود که در سایه این تغییرات، جایگاه خود را از نو تعریف کند. تهران، با به کارگیری واژه "بیداری اسلامی" خوشحالی خویش را از این تحولات ابراز داشت. شورای همکاری خلیج فارس، به‌عنوان یک سازمان منطقه‌ای در حوزه خلیج فارس که متشکل از شش کشور عربی این منطقه شامل: عربستان سعودی، کویت، عمان، امارات متحده‌ی عربی، قطر و بحرین می‌باشد؛ که در سال ۱۹۸۱م موجودیت یافت. در واقع سابقه تلاش برای ایجاد تجمعی در منطقه به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ م بر می‌گردد؛ که در کنفرانس وزرای خارجه کشورهای منطقه در سال ۱۹۷۶م در "مسقط" برای ایجاد یک سیستم دسته جمعی تشکیل شد اما به دلایل مختلف از جمله رقابت‌های منفی میان ایران، عراق و عربستان برای سیادت و ژاندارمری منطقه، تلاش‌ها برای ایجاد تجمعی همگون به نتیجه نرسید تا اینکه سرانجام در ماه می ۱۹۸۱م یعنی ۸ ماه پس از جنگ ایران و عراق شش کشور ذکر شده، ایجاد شورایی به‌عنوان شورای همکاری عرب کشورهای خلیج فارس را اعلام نمودند. (اسدی، ۱۳۸۹: ۲۴) به موازات پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ش. بازتاب منطقه‌ای و بین‌المللی این انقلاب با توجه به رخداد آن در منطقه حساس خاورمیانه اهمیت یافت. بازتاب انقلاب برای برخی امیدوار کننده و برای برخی نیز نگران‌کننده بود، در این بین کشورهای عربی منطقه که به لحاظ فرهنگی و اقتصادی ایران را رقیب خود می‌دانستند، درصدد مقابله با تأثیرات احتمالی انقلاب ایران برآمدند. یعنی اگر نمود اصلی برخورد مستقیم اعراب علیه ایران حمله نظامی رژیم عراق به ایران بود، اما نشان اقدام غیرمستقیم کشورهای عربی منطقه، شکل‌گیری ائتلافی منطقه‌ای با عنوان شورای همکاری خلیج فارس در ماه مه ۱۹۹۱ در امارات متحده عربی بود. اگرچه به موازات فاصله گرفتن از شرایط خاص انقلاب اسلامی، روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس دچار تغییر و تحولاتی گردید، اما در ادامه نیز دو طرف و خصوصاً کشورهای عرب منطقه رقابت را بر همکاری ترجیح دادند. (صادقی، عشرت‌آباد، ۱۳۹۳: ۱۵۱) در حال حاضر به واسطه شکل‌گیری بهار عربی و تفاوت دیدگاه میان محور ایران و محور عربستان باعث فاصله گرفتن بیش از پیش ایران و شورای همکاری خلیج فارس شده است. دو محور اساسی مدت‌ها پیش در معادلات قدرت در خاورمیانه شکل گرفته اند که به اختصار تحت عنوان محور ایران و محور عربستان شناخته می‌شوند. این دو محور همواره در خاورمیانه در حال رقابت با یکدیگر بوده و در تحولات ناشی از بهار عربی در حال تغییر میزان قدرت، تأثیر گذاری و قابلیت توسعه هستند. با تشکیل دولت عراق توسط متحدین ایران در عراق و سقوط دولت حریری در لبنان و تشکیل دولت توسط حزب الله و احزاب مؤتلف با آن، منطقه با پیشروی محور ایران و عقب نشینی محور عربستان به استقبال بهار عربی رفت. نگارنده بر این عقیده است که در این میان و با توجه به شکل‌گیری اتفاقاتی که در خاورمیانه رخ داده است سه کشور برای ایران و عربستان از اهمیت خاصی برخوردار است که هرگونه تغییرات در این کشورها با حساسیت زیاد از طرف تهران و ریاض مواجه می‌شود، این کشورها عبارتند از بحرین، سوریه و یمن که به دلیل اهمیت بالا برای ایران و عربستان هرگونه تغییر و تحول را در کشورهای مذکور به معنی از دست دادن قدرت خود در منطقه خاورمیانه می‌دانند.

<sup>1</sup> Persian Gulf Cooperation Council

## مفهوم سیاست منطقه‌ای

مکتب کپنهاگ اصطلاحی است که بیل مک سوئینی<sup>۱</sup> بر آثار و دیدگاه‌های باری بوزان<sup>۲</sup>، الی ویور<sup>۳</sup> و دووولد<sup>۴</sup> و دیگران به کار برده است. این مکتب با توجه به اینکه کاملاً بر مطالعات امنیتی استوار گشته، جزء اولین رهیافت‌هایی است که در راستای پایه‌گذاری جایگاهی مستقل برای مطالعات امنیتی محسوب میشود. به عبارتی مکتب مذکور مطالعات امنیتی را که از ویژگی دوران بعد از جنگ سرد است، از حوزه مطالعات راهبردی دوران جنگ سرد تفکیک کرده و آن را ذیل روابط بین‌الملل و مطالعات راهبردی را ذیل مطالعات امنیتی قرار داده است. این تلاش بوزان و همکارانش توجه آنان را به خارج نمودن مسائل امنیتی از دایره تنگ نظامی نشان می‌دهد. به استناد نظر باری بوزان، تحلیل امنیت در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و داخلی صورت می‌گیرد. در سطح جهانی بیشتر به تحلیل عملکرد و سیاست‌های قدرتهای بزرگ توجه می‌شود، در سطح منطقه‌ای حیطه قلمرو و تحلیل محدود شده و روندها و قدرتهای منطقه‌ای را هم در بر می‌گیرد، سرانجام سطح داخلی است که در آن شرایط، سیاست‌ها عملکرد داخلی و تأثیر آن بر امنیت در نظر است. (سیمبر، قاسمیان، ۱۳۹۳: ۱۴۵-۱۴۶).

واضع نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای باری بوزان است. بوزان در تعریف اولیه از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای چنین اظهار می‌دارد: گروهی از دولت‌ها که نگرانی اصلی امنیتی آنها تا اندازه‌ای به یکدیگر گره خورده است که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدای از یکدیگر مورد توجه قرار داد. در کتاب مناطق و قدرتها نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای مورد بازنگری قرار گرفت در تعریف جدید بوزان و ویور یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای را چنین توضیح داده اند مجموعه‌ای از واحدها که در آنها فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیرامنیتی کردن یا هر دوی آنها، آن اندازه درهم تنیده شده اند که مشکلات امنیتی نمی‌تواند جدای از یکدیگر تحلیل یا حل شود. (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۱۸)

بر اساس نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای تهدیدات مسافت‌های کوتاه را آسان تر و راحت تر نسبت به مسافت‌های طولانی طی می‌کنند. در واقع ترس‌ها و دغدغه‌های درون منطقه‌ای باعث ظهور مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌شود. مجموعه امنیتی منطقه‌ای دارای ویژگی‌ها و متغیرهایی است. اولین متغیر وابستگی متقابل امنیتی است که از عوامل رشد همکاری است که باعث تبیین روابط و رفتار دولت‌ها در عرصه روابط بین‌الملل و منطقه‌ای می‌شود. وابستگی متقابل امنیتی ناظر بر وجود شبکه‌ای از تعاملات و روابط امنیتی بین اعضای یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای است که باعث ایجاد احساس مجموعه بودن میان گروهی از کشورها می‌گردد و از طرف دیگر بدین معناست که وجود یک مجموعه امنیت منطقه‌ای امکان دارد لزوماً با خواست و اراده کشورهای عضو این مجموعه انطباق نداشته باشد. (عبداله خانی، ۱۳۸۳: ۱۵۶) وابستگی متقابل امنیتی به معنای آن است که نا امنی یک واحد به معنای نا امنی در واحدهای دیگر است این وجه مثبت وابستگی متقابل امنیتی است و در وجه منفی امنیت یک دولت به معنای نا امنی دیگر واحدهاست دولت‌ها به دلیل اهمیتی که به رفاه ملی می‌دهند ناچارند از طریق دیپلماسی و ابزارهای مسالمت آمیز با واحدهای سیاسی دیگر رابطه داشته باشند که به نوبه خود وابستگی متقابل بین دولت‌ها را به وجود می‌آورد. وجود الگوهای دوستی و دشمنی دومین ویژگی مجموعه امنیتی منطقه‌ای است که ناظر بر وجود اختلافات تاریخی میان کشورهای عضو یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌باشد. بوزان و ویور معتقدند که الگوی دوست و دشمنی از سطح منطقه‌ای آغاز شده که بازیگران جهانی را از یک طرف و متغیرهای داخلی را از طرف دیگر در بر می

1- Bill McSweeney

2- Barry Buzan

3- Eli Weaver

4- Dvvyld

گیرد. این الگوی ویژه که کی از چه کسی می ترسد و یا چه کسی را دوست دارد ترکیبی از سیاست، تاریخ و شرایط مادی به صورت درونی در سطح منطقه تولید می شود. (بوزان و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۸)

سومین ویژگی یک مجموعه امنیت منطقه ای، مجاورت جغرافیایی است. بوزان و ویور داشتن مرز مشترک میان اعضای مجموعه امنیتی منطقه ای را لازم می دانند در واقع مرز جغرافیایی مجموعه امنیتی منطقه ای را از مناطق دیگر جدا و متمایز می سازد از سوی دیگر لیک<sup>۱</sup> و مورگان<sup>۲</sup> قدرتهای فرا منطقه ای تاثیرگذار را جزء مجموعه امنیت منطقه ای می دانند. چهارمین متغیر در نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای وجود حداقل دو بازیگر قدرتمند و موثر است. قدرت های منطقه ای و قدرت های جهانی در نظریه مجموعه امنیتی منطقه ای از یکدیگر تفکیک می شوند. در جهانی که در آن حدود ۲۰۰ دولت وجود دارد، ابرقدرت ها یک انتهای طیف قدرت های عمده را اشغال می کنند و قدرت های منطقه ای نظیر برزیل، نیجریه، مصر، ایران و... انتهای دیگر طیف را به خود اختصاص می دهند در وسط این طیف قدرت، قدرتهای بزرگ قرار دارند که قوی تر از قدرت های منطقه ای هستند اما فاقد تمامی ویژگی های ابر قدرت ها هستند. (آذرشب: ۱۳۹۴)

### تقابل شورای همکاری خلیج فارس با ایران

بر اساس نظریه مکتب کپنهاگ (مجموعه امنیتی بوزان) مجموعه امنیتی منطقه ای دارای ویژگی ها و متغیرهای است، اولین متغیر وابستگی متقابل امنیتی است که از عوامل رشد همکاری است که باعث تبیین روابط و رفتار دولت ها در عرصه روابط بین الملل و منطقه ای می شود. وابستگی متقابل امنیتی ناظر بر وجود شبکه ای از تعاملات و روابط امنیتی بین اعضای یک مجموعه امنیتی منطقه ای است که باعث ایجاد احساس مجموعه بودن میان گروهی از کشورها می گردد در حالی که رابطه ایران با شورای همکاری خلیج فارس دارای هم گرایی نیست و بیشتر حالت رقابت و تخاصم میان آن ها وجود دارد تا همکاری. در این میان، موانع هنجاری که میان ایران و شورای همکاری خلیج فارس که مانع از ارتباط و رابطه میان آن ها می شود را می توان به لحاظ فرهنگی و سیاسی دانست که بینشی غیریت ساز در بین اعضای شورای همکاری وجود دارد که از هویت یابی اسلام سیاسی به طور عام و شکل گیری ژئوپلیتیک شیعه به طور خاص واهمه دارند. بنابراین هنجار و هویت اعضای شورا نمی تواند کشورهای نظیر ایران را با دیدگاه متفاوت در میان خود راه دهند. بخصوص این مساله بعد از قدرت گرفتن شیعیان در عراق و تحولات اخیر در یمن، سوریه و بحرین بیشتر ذهنیت اعضای شورا را به خود مشغول کرده است. مورد دیگر شکل فرهنگ سیاسی قبیله ای و پاتریمونیالیستی حاکمان کشورهای حوزه خلیج فارس است که به آسانی با مردم سالاری قابل جمع نیست و این در حالی است که قانون اساسی و رویه سیاسی حاکم بر جمهوری اسلامی چنین مساله ای را نمی پذیرد که قدرت به سان کشورهای عضو شورا شکل موروثی و پادشاهی داشته باشد. (کامران، کرمی، ۱۳۹۳: ۱۵۹) بنابراین در این جا به لحاظ هنجاری، غیریت سازی جدیدی علیه ایران شکل می گیرد. به واقع دقت نظر در محتوای قواعد هنجاری و رویه ای حاکم در شورا نشانگر این قاعده اساسی است که فقط دولتهای پادشاهی عرب خلیج فارس که پایبند به قواعد سنتی اسلام باشند، می توانند عضو شورا شوند. ضمن این که دیگر قواعد رویه ای شورا قائل به شان اخلاقی یکسان اعضا و به رسمیت شناخته بودن حاکمیت پادشاهی های عضو است و این رسمیت یافتن باعث شکل گیری هنجارهای متصلب در شورا در این زمینه به ویژه در خصوص ورود اعضای جدید گردیده است. در سطح تحلیل سوم هم هنجارهای منطقه ای و بین المللی باعث شده تا اعضای شورا به غیریت سازی علیه ایران سوق داده شوند. چرا که اگر ایران حامی نهضت مقاومت منطقه ای بوده و علیه مواضع کشورهای غربی اعلام نظر و یا انجام عمل نموده است، اعضای شورای همکاری، هم یاری با غرب و حتی بعضاً سازش با اسرائیل را در دستور کار خود داشته و بنابراین هنجار حاکم بر سیاست خارجی شورا، با هنجارهای هویت بخش سیاست خارجی ایران تفاوت-

<sup>۱</sup>- Lake

<sup>۲</sup>- Morgan

های بنیادینی به خود گرفته است. (صادقی، نقدی عشرت آباد، ۱۳۹۳: ۱۵۹-۱۶۰) به هر روی وجود این سه سطح از تحلیل، امکان ورود ایران به شورا را سخت نموده و شکل‌گیری جامعه همگرا و حتی دو سوگرا با عضویت ایران را در شورا ناممکن ساخته است. رابطه تاریخی ایران و شورای همکاری خلیج فارس در بعد از انقلاب اسلامی ایران و با توجه به مراحل آن شامل موارد زیر می‌گردد:

### صدور انقلاب

جلوگیری از صدور انقلاب ایران یکی از مهمترین دلایل تأسیس شورای همکاری بوده است. در واقع می‌توان گفت تشکیل این شورا واکنشی به انقلاب در ایران بود. در واقع از همان بدو تشکیل، این شورا نگرشی بدبینانه و توأم با سوءظن نسبت به ایران داشته است. کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس از همان آغاز تجاوز عراق و در راستای استراتژی آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران مبنی بر کنترل انقلاب اسلامی و جلوگیری از بالندگی آن، کمک‌های بسیار ذیقیمتی در اختیار عراق گذاردند. (نعیمی، ارفع، ۱۳۷۰: ۷۷) پس از پیروزی انقلاب اسلامی، رهبران و نخبگان جمهوری اسلامی شعار نه شرقی و نه غربی و حمایت از تمام ملل مسلمان را سر دادند. امام خمینی (ره) در این رابطه می‌فرماید: "ما باید از مستضعفان جهان حمایت کنیم. ما باید در صدور انقلاب‌مان به تمام جهان کوشش کنیم زیرا اسلام بین کشورهای مسلمان فرقی قائل نمی‌شود و پشتیبان تمامی مستضعفان جهان است". یا در جایی دیگر می‌فرماید: "انقلاب ما منحصر به ایران نیست. انقلاب مردم ایران آغاز انقلاب بزرگ اسلام است"، از دیدگاه امام خمینی، منظور از صدور انقلاب، همان گسترش اسلام است. (کریمی، ۱۳۹۳: ۱۶۲-۱۶۳). از نگاه ایشان برای پیروزی بر مشکلات، باید در مقابل همه قدرتها ایستاد و ارزشهای انسانی را از این جا به سایر نقاط جهان صادر کرد. در واقع صدور انقلاب در نگاه ایشان، صبغه فرهنگی دارد. علاوه بر مسأله صدور انقلاب، موضوع دیگری که موقعیت رژیم‌های محافظه‌کار منطقه را در معرض تهدید قرار می‌داد، گسترش قیام اسلام خواهانه با خصلت غرب ستیزی بود. (مسعودنیا، ۱۳۸۷: ۱۸۵)

### سیاست تعدیلی- تنش زدایی (۱۳۸۴-۱۳۶۸)

البته تهاجم عراق به کویت، از نظر سیاسی و امنیتی به سود ایران تمام شد، زیرا رقیب خطرناکی چون عراق به شدت تضعیف گردید و از سوی دیگر ماهیت تجاوزگر صدام برای جهانیان روشن شد و پس از این واقعه بود که دبیر کل سازمان ملل در بیانیه ۱۱ دسامبر ۱۹۹۱ م. عراق را به عنوان متجاوز و آغازگر جنگ علیه ایران معرفی نمود. این بزرگترین پیروزی سیاست خارجی ایران و در واقع پیروزی اصلی در جنگ هشت ساله با عراق بود و منجر به بازسازی روابط ایرانی - عربی شد (پایگاه اطلاع رسانی حوزه: ۱۳۸۲). ملاقات رییس جمهور وقت ایران، آقای هاشمی رفسنجانی در فروردین ۱۳۷۶ (مارس ۱۹۹۷) با امیر عبدالله، ولیعهد عربستان سعودی در حاشیه اجلاس کنفرانس اسلامی در اسلام آباد پاکستان سر فصل جدیدی در روابط دو کشور بزرگ منطقه یعنی ایران و عربستان و برداشته شدن موانع ایجاد شده عربستان بر سر راه تشکیل اجلاس سران کنفرانس اسلامی در تهران بود. و سپس روی کار آمدن دولت آقای خاتمی و سیاست‌های اعلامی وی در صحنه روابط خارجی، بستر لازم برای ارتقای روابط ایران و سعودی را فراهم ساخت. سفر آقای هاشمی به سعودی و سپس سفر آقای خاتمی در اردیبهشت ۱۳۷۸ (۱۹۹۹) و تلاش‌های مداوم دو کشور، روابط ایران و عربستان را گسترده، گرم و به سطوح دراز مدت و امنیتی ارتقاء داد. تأثیر این روابط بر مسأله جزایر و مسکوت ماندن ادعاهای امارات بر اثر شوک ناشی از این روابط در چند ماه اول ۱۳۷۶، تا آن حد برای امارات نگران کننده بود که در جلسات شورای همکاری و در مصاحبه‌ها، مقامات امارات به شدت به نحوه عمل عربستان اعتراض کردند. عربستان در برابر به ادعاهای امارات پاسخ گفت و امیر عبدالله، ولیعهد سعودی و امیر سلطان، وزیر دفاع نیز بر ادامه روابط گرم با ایران تأکید ورزیدند. در یک رویارویی آشکار، وزیر دفاع عربستان در پاسخ راشد عبدالله وزیر

خارج امارات گفت که جاهل در هر صورت دشمن خویشتن است. (از غندی، ۱۳۷۸: ۳۰) البته در این برهه رابطه ایران با شورا بهتر شده بود و هنوز مشکلاتی مثل رابطه اعراب با اسرائیل و بحث جزایر سه گانه مانع از بهبودی کامل رابطه می شد.

### سیاست تهاجمی (۱۳۹۲-۱۳۸۴)

تغییر جهت گیری سیاست خارجی ایران، پررنگ شدن عنصر شیعی در تحولات منطقه ای به ویژه عراق و لبنان، وقوع انقلاب های اجتماعی جهان عرب و پررنگ شدن عنصر سنی - سلفی در عرصه منطقه ای، نحوه تعامل عوامل ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک در کنار ساختار نظام بین الملل است که بیش از هر زمان در دهه اول انقلاب اسلامی و نیز در دهه اخیر به شکلی پررنگ با تاکید بر عنصر شیعه از یک سو و عنصر سنی / سلفی از سوی دیگر مورد توجه قرار گرفته است. این امر منجر به ایجاد فضای متمایز شده میان ایران و کشورهای خلیج فارس شده است. مساله تمایز یکی از اصلی ترین موضوعات اختلاف، تضاد و امنیت است. این تمایز دو بعد داشته و دارد یکی بعد ایدئولوژیک و دیگری ژئوپلیتیک هرگاه که قالب های ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک با هم ترکیب شوند و تلاقی پیدا کنند. زمینه برای تضاد افزایش پیدا می کند، چرا که رقابت بر سر یکی از این عوامل میان دو یا چند کشور به تنهایی برای چالش بنیادین میان آن ها کفایت نمی کند، اما اگر این رقابت مبتنی بر تلفیق میان دو عامل هویتی و ژئوپلیتیک در کنار تاثیرات ساختاری نظام بین الملل همراه شد، منجر به تعارض شده و نه تنها بار مخاطره آمیز خواهد داشت بلکه به پیچیده شدن و امنیتی شدن روابط می انجامد (ساعی، ۱۳۹۲: ۱۱۳-۱۱۴). سیاست خارجی دولت احمدی نژاد حداقل در دوره اول ریاست جمهوری او بیشتر در جهت ایجاد جو اعتماد در منطقه به خصوص کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس بود اما با وجود این نزدیکی ها، شورای همکاری همچنان در زمینه جزایر سه گانه بر مواضع قبلی خود پافشاری کرد و در بحث هسته ای، ایران را به تلاش برای به دست آوردن بمب هسته ای متهم کرده و معتقد بود که اقدامات ایران در این زمینه باعث میلیتاریزه شدن منطقه خواهد شد البته در کنار این موارد باید شکل گیری بهار عربی نیز اضافه کرد که باعث زاویه بیشتر میان ایران و کشورهای عضو شورا بخصوص عربستان شد. (حافظیان ۱۳۸۸: ۱۱-۱۰).

### سیاست اعتدالی دولت روحانی

در سال های اخیر تقابل منطقه ای ایران و عربستان در سطح منطقه بیشتر شده و عربستان سعی نموده از هر ابزاری برای اتحاد منطقه ای علیه ایران استفاده نماید. بنابراین بیشتر کشورهای شورای همکاری با هماهنگی و همکاری با عربستان سعی می نمایند از سیاست های تقابلی عربستان علیه ایران پشتیبانی نمایند. ایران و عربستان دو بازیگر کلیدی در منطقه هستند که هم از لحاظ ثقل جغرافیایی و هم از لحاظ اصول هویتی به ایفای نقش در منطقه می پردازند. از لحاظ جغرافیایی این دو کشور همزمان در بیشتر مسائل سیاسی-امنیتی در خلیج فارس، شبه جزیره عربستان، شامات و شمال آفریقا و مصر تاثیرگذار هستند. از لحاظ هویتی با اتصال اصول و ارزش های خود به مسائل منطقه ای به خصوص هدایت جریان های ایدئولوژیک شیعی و سنی به ایفای نقش می پردازند. این دو بازیگر نقطه تامین منافع خود را در بهم پیوستگی این دو جنبه از سیاست منطقه ای خود می دانند. زمانی که حسن روحانی در سال ۱۳۹۲ ش. رئیس جمهور ایران شد، برخی در ایران امیدوار بودند، تا حدودی روابط ایران و عربستان بهبود یابد. او در شعارهای انتخاباتی خود از تعامل سازنده با کشورهای جهان و سیاست مصالحه جویانه سخن گفت. علیرغم تمایل وی به گسترش تعاملات منطقه ای و بین المللی و اتخاذ سیاست اعتدال گرایی در حوزه مسائل داخلی و خارجی، روابط ایران با شورای همکاری در سطوح مختلف تا به اکنون تغییر چشمگیری به خود ندیده است که به نظر می رسد دلیل اصلی این مساله را بیشتر می توان در تبعات تحولات موسوم به بیداری عربی جستجو کرد. البته موارد دیگری مانند مرگ ملک عبدالله بن عبدالعزیز، این امیدها را نقش بر آب نمود زیرا حاکم جدید (ملک سلمان) عربستان انعطاف پذیری و تمایلی در تعامل با ایران از خود نشان نداد. در ضمن یک سری تحولات در سال هایی اخیر نیز روابط میان ریاض و تهران را وخیم تر

کرد. (صادقی، نقدی عشرت‌آباد، ۱۳۹۳: ۱۶۶) درک سیاست تهاجمی عربستان سعودی در سال‌های اخیر را باید در چارچوب الگوی رفتار جدید سیاست خارجی این کشور تبیین کرد که ناشی از تغییر شرایط داخلی، منطقه ای و بین‌المللی است که زمینه‌های تغییر در الگوی سابق و شکل یابی رفتار جدید را فراهم آورده است. این رویکرد عربستان را به سمت شکل دهی و فعال کردن فازهای چندگانه علیه تهران هدایت کرده که خود را در قطع روابط سیاسی-اقتصادی، یارگیری و بسیج دولت‌های عربی-آفریقایی، فعال کردن گروه‌های تروریستی نیابتی، تلطیف روابط با اسرائیل و فعال کردن ظرفیت سازمان‌های منطقه ای است. در واقع شکل یابی این راهبرد تهاجمی سعودی‌ها علیه ایران که عربستان تحت پادشاهی سلمان بن عبدالعزیز در حال گسترش تقابل با ایران در مناطقی فراتر از خاورمیانه است، دارای پیامدهایی در سطوح سیاسی دیپلماتیک و اقتصادی است. در سطوح سیاسی و دیپلماتیک به دنبال تشکیل ائتلاف‌های منطقه ای همچون ائتلاف علیه تروریسم برای بسیج کشورها و یارگیری سیاسی علیه ایران، فشار از طریق سازمان‌ها و مجامع منطقه ای و بین‌المللی همچون شورای همکاری، اتحادیه عرب، سازمان همکاری اسلامی و مجمع عمومی و شورای امنیت سازمان ملل در سطح سیاسی-دیپلماتیک است.

### علل تیرگی رابطه ایران و عربستان

عربستان از وقوع بهار عربی در کشورهایی چون مصر و تونس در هراس بود چرا که بیم آن می‌رفت که موج انقلاب‌های دموکراسی خواهانه به کشورهای عربی حوزه خلیج فارس برسد. اعتراضات در بحرین خط قرمز سعودی‌ها محسوب می‌شود چرا که آن کشور در همسایگی ایران قرار دارد و شیعیان آن کشور روابط عمیقی با ایرانیان داشته‌اند. نیروهای نظامی عربستان سعودی برای کمک رسانی به خاندان آل خلیفه در بحرین به منظور سرکوب قیام مردمی عازم بحرین شدند. عربستان سعودی ایران را متهم به حمایت از مخالفان شیعه بحرینی علیه دولت بحرین کرده بود. آمریکا مدعی شد که توطئه ای را کشف کرده که طبق آن ایران قصد داشته سفیر عربستان سعودی در واشنگتن را به قتل رساند. ریاض اظهار داشت که شواهدی در دست دارد که این موضوع را ثابت می‌کند. ایران این گزارش را تکذیب کرد و آن را جعلی و بیان آن را با هدف کارشکنی در روابط دوجانبه تهران - ریاض دانست. یکی از دلایل اصلی در تیرگی روابط ایران و عربستان برداشت هویتی ناشی از تهدید متقابل در نتیجه نزدیکی با آمریکا است. ایران، حکومت سعودی را تسهیل کننده حضور سیاسی-امنیتی آمریکا در منطقه، همکاری فعال آن در اعمال تحریم‌های اقتصادی علیه ایران به ویژه در زمینه جایگزینی نفت ایران در بازارهای بین‌المللی و بطور کلی همکاری برای تضعیف نقش منطقه ای ایران می‌بیند. عربستان سعودی هم حضور فعال ایران در مسائل منطقه ای به خصوص مسائل عربی را در قالب یک تهدید ایدئولوژیک-امنیتی می‌بیند که با جنبه هژمونیک و ناسیونالیستی ترکیب شده است. اعدام شیخ نمر یکی دیگر از علل تیرگی روابط ایران و عربستان بوده است. حاکمان عربستان با اعدام شیخ نمر به دنبال تنش‌آفرینی بیشتر با ایران بودند و دنبال دو هدف عمده بودند: یکی دو قطبی و فرقه ای شدن منطقه که پشتیبانی بیشتر اکثریت سنی مذهب منطقه را از سعودی به همراه خواهد داشت و عربستان را به عنوان تکیه‌گاه اصلی جهان اهل سنت معرفی می‌کند. دوم با تشدید ستیزه‌های منطقه‌ای، ایران رفتارهای رادیکالی نشان دهد که قدرتهای غربی را برای ورود مستقیم‌تر و آشکارتر در منطقه مجاب کند. در واقع، از نظر سعودی‌ها بازی منطقه، «بازی یا همه یا هیچ» است. در بازی یا همه یا هیچ، مبنای کنش، صرف حساب‌گری‌ها و منفعت‌طلبی‌های معمول نیست، بلکه نابودی نسبی قدرت طرف مقابل هرچند به قیمت کاهش منفعت یا افزایش زیان خود دنبال می‌شود. این ذهنیت که به‌ویژه پس از مرگ ملک عبدالله، بر هیات حاکمه سعودی تسلط بیشتری یافته است، مسئله‌ی رابطه عربستان-ایران را به بغرنج‌ترین سطح ممکن که پیش از این سابقه نداشته، رسانده است. (قریشی: ۱۳۹۴) شکل‌گیری بهار عربی و تاثیر آن بر رابطه ایران و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس بخصوص عربستان با اتکا به سه کشور بحرین، سوریه، یمن و وقوع تحولات جهان عرب در سال ۲۰۱۱م. منجر به تغییرات ساختاری در سطوح سیاسی و امنیتی خاورمیانه گشت و جلوه‌هایی از این تغییر ساختاری را در گسست ائتلاف‌ها و ظهور دسته‌بندی‌های جدید میان بازیگران این مجموعه شاهد بودیم. (نجات، ۱۳۹۳: ۶۳۸). یکی از بازیگرانی که در بحبوحه خیزش‌های خاورمیانه به شدت در موضع تدافعی قرار گرفت، عربستان سعودی بود که همواره به عنوان یکی از کشورهای تأثیرگذار در خاورمیانه عمل

نموده است. سقوط مصر، تونس و یمن و همچنین بحران در بحرین از جلوه‌های این تحولات بود که به شدت محیط پیرامونی و حوزه نفوذ عربستان را متأثر ساخت و عربستان را بر آن داشت تا به موضع‌گیری در خصوص این موضوع بپردازد. (کرمی، ۱۳۹۲)

### رقابت منطقه ای ایران و عربستان

رقابت منطقه ای ایران و اعراب بخصوص شورای همکاری خلیج فارس را در یک دسته بندی می توان در حوزه سه کشور سوریه، بحرین و یمن تقسیم بندی نمود. جمهوری اسلامی ایران، به دلیل تلاش‌هایش در جهت صدور انقلاب به دنیای عرب و به طور خاص قدرت‌های بزرگ در جهان عرب، مانند عربستان سعودی، مصر و جنگ با صدام حسین که در طی جنگ مورد حمایت جهان عرب بود، در منطقه دچار مشکلات فراوان شد. سوریه در زمان حاکمیت حافظ اسد، تنها کشور خاورمیانه بود که به طور فعالانه در طول جنگ از ایران حمایت می‌کرد. حافظ رژیم بعثی عراق را به عنوان تهدیدی علیه منافع خود می‌دانست. جنگ بین ایران و عراق توان عراق را کم کرد و این کشور را تضعیف نمود در نتیجه سوریه را از حیطة توجه عراق خارج کرد. (احتشامی، هینوبوش، ۱۳۸۸: ۱۵۷) ایران و سوریه دارای منافع مشترکی در غرب آسیا هستند. دوستی ایران و سوریه از قبل انقلاب شروع شده و در دوران جنگ تحمیلی ادامه پیدا کرده و بعد از آن هم به عنوان دو کشوری که منافع راهبردی مشترکی داشتند، در منطقه به ایفای نقش پرداخته اند. ایران با کمک سوریه توانسته آن آزادی عمل را در لبنان داشته باشد تا بتواند از گروه های مبارز فلسطینی یا حزب الله لبنان حمایت کند، برای حفظ این آزادی عمل، ایران باید از دولت سوریه حمایت کند. بنابر این، مرزهای لبنان و سوریه به عنوان خط مقدم منطقه ی نفوذ ایران تلقی می شود. از این منظر، ایران با کشورهای سوریه و لبنان و مجموعه های حزب الله، جهاد اسلامی و حماس، یک جبهه ضد صهیونیستی تشکیل داده که در این اتحاد، سوریه نقش پل ارتباطی را ایفا می کند. یکی از اهداف ژئوپلیتیکی قدرت‌های نافذ فرا منطقه ای، قطع محور راهبردی است که ایران را به لبنان، فلسطین و دریای مدیترانه متصل می سازد. بنابراین قراردادان سوریه در حالت هرج و مرج، تاکتیک نظام سلطه در نبرد با ایران نیز محسوب می شود. فوری ترین هدف راهبردی غرب از بی ثبات سازی و ایجاد بحران در سوریه عبارت است از تصرف اولین خاکریز دفاعی جبهه مقاومت در مقابل رژیم صهیونیستی و حمله به عمق راهبردی جمهوری اسلامی که ضرورت اولیه تضعیف مقاومت اسلامی و سیاست مهاد جمهوری اسلامی قلمداد می شود. (صادقی، لطفی، ۱۳۹۴: ۱۳۵-۱۳۶) جنگ داخلی سوریه نیز یکی از عواملی است که تنش در روابط تهران و ریاض را بیش از پیش شدت بخشید. حمایت علنی عربستان از مخالفان دولت بشار اسد این کشور را در مقابل ایران که از متحدان و مدافعان اسد بود، قرار داد. در بحران سوریه بازیگران بین‌المللی و منطقه‌ای، هر یک به دنبال منافع خاص خود در تحولات سوریه هستند. عربستان سعودی نیز به‌عنوان یکی از مهمترین بازیگران مؤثر در بحران داخلی سوریه از این قاعده مستثنا نیست و به‌نظر می‌رسد این کشور با توجه به رقابت گسترده منطقه‌ای که با ایران دارد، بیش از هر عامل دیگری به دنبال سقوط دولت بشار اسد است؛ تا بتواند از این طریق قدرت منطقه‌ای ایران را کاهش دهد. (نیاکویی، ۱۳۹۱: ۱۲۰) عربستان در برخورد با کشورهای منطقه نشان می‌دهد که این بازیگر تلاش دارد تا به عنوان محور ژئوپلیتیکی منطقه‌ای نقش یکپارچه ساز سیاست‌های امنیت، هویت و قدرت را در خاورمیانه عهده‌دار شود. اهمیت تغییر در سوریه از بعد ژئوپلیتیکی برای عربستان در دو مورد نهفته است: مهاد کردن الگوی نفوذ معنوی ایران و جلوگیری از مداخلات سوریه در حوزه‌های نفوذ عربستان در لبنان و فلسطین می باشد. (کرمی، ۱۳۹۰) بحران یمن از دیگر علل سیاست های تقابلی عربستان با ایران است. وحدت یمن در ۱۹۹۰م. خوش آمد عربستان نبود، سیاست سنتی عربستان همواره بر مبنای حفظ دو یمن جدا شده استوار بوده و نمی‌توانست پذیرای کشوری متحد باشد که از نظر نظامی قوی تر از آن و از لحاظ وسعت و جمعیت دومین کشور شبه جزیره بعد از آن باشد. از سوی دیگر یمن یکی از آزادترین کشورهای عرب است، در این کشور سی حزب سیاسی فعالیت دارند. ده ها روزنامه منتشر می - شود و بحث‌های پارلمانی به صورت زنده پخش می‌گردد. عربستان نگران آن بود که در آینده نزدیک، موج آزادی خواهی به داخل مرزهای آن سرایت کند و به فروپاشی نظام قبیله ای آن منجر گردد. (جعفری ولدانی، ۱۳۸۸: ۲۰۵).



عضویت یمن در شورای همکاری عرب (با مشارکت مصر، اردن و عراق) در سال ۱۹۹۰ نیز به اختلاف‌های دو کشور دامن زد. ریاض همواره از ایجاد مثلث بغداد-صنعا-قاهره در هراس بوده است. نگرانی عربستان به ویژه از همکاری نظامی عراق و یمن بود و عراق نیروهای نظامی یمن را آموزش می‌داد و اظهارات صدام حسین مبنی بر این که ارتش یمن باید نقش فعال‌تری در منطقه ایفا کند بر نگرانی عربستان افزوده بود. بحران خلیج فارس که با اشغال کویت توسط عراق وارد فاز جدیدی شده بود دو کشور را رو در روی یکدیگر قرار داد. عربستان اشغال کویت را تهدید مستقیمی علیه خود تلقی کرد و برای عقب‌راندن نیروهای عراقی متوسل به نیروهای آمریکایی، غربی و عربی شد. در حالی که یمن اشغال کویت رانه تنها محکوم نکرد، بلکه با سکوت خویش بر آن صحنه گذاشت. حتی به طور غیررسمی گفته می‌شد یمن با استقبال از اسقرار موشک‌ها و هواپیماهای عراقی اعلام کرده است. عربستان یمن را متهم می‌کردند که با کمک عراق و اردن در صدد هستند خاک عربستان را تجزیه کنند. (جعفری ولدانی، ۱۳۷۶: ۳۲۳) گسترش قدرت حوثی‌ها به عنوان معترضان شیعه زیدی یمن به ساختار سیاسی دولت، ریاض را نسبت به تحولات درونی یمن حساس‌تر کرد؛ زیرا عربستان را در جنگ غیر مستقیم با ایران که ادعا می‌شد از شیعیان یمن حمایت می‌کند، قرار داد. از این رو، اگر چه عربستان بارها اعلام کرده است که در پاسخ به درخواست رئیس‌جمهور قانونی یمن، از موضع دولت این کشور حمایت می‌کند؛ اما به نظر می‌رسد مهمترین عاملی که یمن را به مسئله استراتژیک برای ریاض تبدیل کرده است، موضع ایران در قبال تحولات یمن است. اشتراکات مذهبی مخالفان حوثی در یمن با ایران، شائبه رقابت مذهبی را برای عربستان و سایر کشورهای متحد با آن ایجاد کرده است. از این رو، به نظر می‌رسد که مهمترین عامل اجماع کشورهای عربی و وحدت موضع در مورد تحولات یمن، نه حمایت از رئیس‌جمهور قانونی که از سوی این ائتلاف ادعا می‌شود، بلکه هم‌آوردی با ایران به عنوان رقیبی مذهبی و ژئوپلیتیکی است. (احمدی، ۱۳۹۴: ۸۰) در رقابت‌های منطقه‌ای، توازن قدرت به نفع ایران تغییر یافته است و از این رو، می‌توان گفت سعودی‌ها سعی کردند با پیش‌دستی در یمن از تثبیت حضور ایران در این کشور جلوگیری کنند. یکی دیگر از موارد ترغیب‌کننده برای مداخله سعودی‌ها در یمن را می‌توان احتمال دستیابی به توافق هسته‌ای و به دنبال آن تغییر رویکرد آمریکا در مقابل ایران دانست. شاید عربستان سعودی سعی دارد ائتلافی را که علیه حوثی‌ها تشکیل شده است، به ائتلاف علیه ایران تبدیل کند. (نجابت و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۴۰) جنبش بحرین از عوامل دیگر روابط تیرگی ایران و عربستان می‌باشد. بحرین برای ریاض اهمیت استراتژیکی از ناحیه اقتصادی دارد همچنان که از لحاظ مذهبی و ژئوپلیتیکی نیز اهمیت بسزایی دارد به ویژه این که تنها ۲۰ مایل از سواحل شرقی عربستان فاصله دارد که منطقه‌ای نفت خیز عربستان است و یک چهارم تولید جهانی نفت را داراست و هر گونه نا امنی و بی‌ثباتی در بحرین قابل انتقال به عربستان و در نتیجه بر هم زدن بازارهای جهانی و سقوط آن است و نباید فراموش کرد که بخش شرقی عربستان محل اصلی شیعیان عربستان است که ۳۰ درصد ساکنان آن را تشکیل می‌دهند در حالی که این نسبت در کل کشور ۱۵ درصد است و هرگونه ناآرامی در بحرین امکان شعله‌ور ساختن آتش مخالفت در منطقه شرقی را در پی دارد (آدمی، ۱۳۹۱: ۱۶۳) چالش میان ایران و عربستان بر سر بحرین به تیرگی روابط میان دو طرف و متحدانش انجامیده است. این وقایع هم‌زمان با شدت یافتن چالش ایران و غرب بر سر فعالیت‌های هسته‌ای ایران و توسعه تحریم‌ها از جمله در حوزه نفت، منجر به بهره‌گیری عربستان و اعراب از شرایط پیش آمده برای پیشبرد اهداف و منافع خود به ویژه در تقابل با ایران گردید. (ساعی، ۱۳۹۲: ۱۲۲) کشورهای عضو شورا سعی کردند با القاء این موضوع که اعتراضات در بحرین جنبه فرقه‌ای و منطقه‌ای دارد و به خصوص باعث گسترش نفوذ ایران در منطقه می‌شود، منابع بازیگران منطقه‌ای و قدرت‌های بین‌المللی را برای حمایت از حکومت آل خلیفه بسیج نمایند و از این طریق بحران بحرین را مهار کنند. این اقدام در جهت افزایش حمایت غرب و به خصوص آمریکا از آل خلیفه و ممانعت از هرگونه دگرگونی سیاسی مهم در بحرین بود که تا حدی نیز موفق بود. جمهوری اسلامی ایران با وجود رویکرد تنه‌اجمی شورای همکاری خلیج فارس سعی کرد با برخی اعضای معتدل‌تر آن از جمله قطر، عمان و کویت رایزنی‌های دیپلماتیک خود را گسترش دهد و ضمن ترغیب این کشورها به تعدیل رویکرد خود در خصوص بحرین، از تنش‌های موجود در روابط نیز بکاهد. با این حال، با توجه به اهمیت نتایج بحران بحرین در سیاست خارجی و منافع منطقه‌ای ایران و شورای همکاری، تداوم تعارض اهداف و منافع دو طرف در این حوزه و همچنین فقدان راه‌حل‌های میانه که بتواند به حل و فصل و

تعدیل بحران منجر شود، بحران بحرین همچنان به‌عنوان مؤلفه‌ای تنش‌زا و مسئله‌ساز در روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس باقی مانده است (اسدی: ۱۳۹۰).

### نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران و شورای همکاری خلیج فارس در چند دهه گذشته دوره‌های متفاوتی از روابط و تعاملات را پشت سر گذاشته‌اند، اما در مجموع به‌جز دوره‌های خاصی روابط دو طرف در اغلب مواقع مناسب و عمیق نبوده و همواره مسائلی چالش برانگیز در روابط ایران با همسایگان جنوبی خود مشاهده شده است. البته غیر از برخی اختلافات و مسائل سیاسی و یا سرزمینی، مداخله و حضور قدرت‌های فرا منطقه‌ای نیز بر نوع روابط دو طرف بی‌تأثیر نبوده است. در دهه ۱۹۸۰ حمایت همه جانبه کشورهای شورای همکاری خلیج فارس از عراق در جنگ با ایران، به تیرگی روابط دو طرف انجامید. با پایان جنگ و تحولاتی مانند حمله عراق به کویت و رویکرد معقولانه ایران در این خصوص، روابط ایران و شورای همکاری تا حدی بهبود پیدا کرد. اما بار دیگر در نیمه نخست دهه ۱۹۹۰ مناقشه جزایر سه‌گانه بین ایران و امارات عربی متحده به اختلافات و تیرگی روابط دو طرف انجامید. هر چند در نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ تا سال‌های اولیه قرن بیست‌ویکم روابط ایران و شورای همکاری وارد مرحله تعامل و نزدیکی قابل توجهی شد، اما بار دیگر بعد از اشغال عراق و تحولات منطقه‌ای و شکل‌گیری بهار عربی این روابط با نمودار شدن منافع و اهداف منطقه‌ای متعارض دچار چالش‌هایی شد. این روابط با آغاز بحران در سوریه، یمن و بحرین دچار تنش‌ها و تعارضات جدی‌تر و اساسی‌تری شد. جمهوری اسلامی ایران و شورای همکاری خلیج فارس که در این بحران‌ها و تحولات اهداف و منافع متعارضی را دنبال می‌کنند و این مسئله بالطبع روابط دو طرف را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

### منابع و ماخذ

۱. احتشامی، انوشیروان، هینوبوش، رایموند (۱۳۸۸) تحولات خاورمیانه از منظر ائتلاف ایران و سوریه: با تأکید بر بازخوانی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، پاییز ۸۸، سال هشتم، شماره ۳۰، فصلنامه تخصص دفاع مقدس صفحه ۱۵۰-۱۵۹
۲. احمدی، وحیده (۱۳۹۴) تجاوز عربستان به یمن: اهداف و چشم انداز، ماه‌نگار راهبردی دیده‌بان امنیت ملی، شماره سی و هفتم، فرودین و اردیبهشت.
۳. ازغندی، علی‌رضا (۱۳۷۸) تنش‌زدایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران سال‌های ۷۸-۱۳۶۷، فصل‌نامه سیاست خارجی، سال ۱۳، شماره ۴ صص ۴۳-۱۰
۴. اسدی، علی اکبر (۱۳۸۹) سیاست خارجی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، مبانی، ساختارها و الگوها، شورای همکاری خلیج فارس: سیاست خارجی و روندهای داخلی، پژوهش ۲۸، گروه پژوهشی سیاست خارجی صص ۲۲-۵۰
۵. اسدی، علی اکبر (۱۳۹۰) بحران بحرین و روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس، موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی، ابرار معاصر تهران برگرفته از سایت <http://www.tisri.org/default-836.aspx>
۶. آدمی، علی، ۱۳۹۱، «بحران بحرین و امنیت منطقه ای جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه راهبرد، سال بیست و یکم، شماره ۶۲، بهار ۹۱ صص ۱۶۸-۱۴۱
۷. آذرشب، محمد تقی (۱۳۹۴) الزامات امنیت منطقه ای و استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه، مدیران راهبرد، مجمع تشخیص مصلحت نظام برگرفته از سایت: <http://modiranrahbordi.ir/2015/08/24/>
۸. بوزان، باری و همکاران (۱۳۸۶)؛ چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت، ترجمه علیرضا طیب، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. بوزان، باری، (۱۳۷۸) مردم، دولتها، هراس، ترجمه بی نا، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۱۰. پایگاه اطلاع رسانی حوزه (۱۳۸۲) تحلیلی بر تحولات اجتماعی - سیاسی پس از انقلاب اسلامی (۱۳۷۶-۱۳۶۸)، شماره ۱۲ سایت: <http://www.hawzah.net/fa/Magazine/View/5211/5568/53601>
۱۱. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۶) کانونهای بحران در خلیج فارس، چاپ دوم، تهران: انتشارات کیهان
۱۲. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۸۸) چالش‌ها و منازعات در خاورمیانه، انتشارات: پژوهشکده مطالعات راهبردی
۱۳. حافظیان، محمدحسین (۱۳۸۸) روابط ایران و کشورهای عربی خلیج فارس: چشم اندازهای آینده» فصلنامه مطالعات خاورمیانه، سال شانزدهم، شماره ۲، تابستان صص ۷-۲۸
۱۴. ساعی، احمد (۱۳۹۲) بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تاکید بر دوره ۱۳۸۴، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی سال نهم، شماره بیست و دوم، بهار ۱۳۹۲ صفحات ۱۰۳-۱۲۹
۱۵. سیمبر، رضا، قاسمیان، روح الله (۱۳۹۳) مؤلفه های اساسی محیط امنیتی ایران و سوریه فصلنامه پژوهش های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۳ صص ۱۴۳-۱۷۸
۱۶. صادقی، سیدشمس الدین، لطفی، کامران (۱۳۹۴) تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول، صفحه ۱۲۳-۱۴۴
۱۷. صادقی، هادی، نقدی عشرت آبادی، جعفر (۱۳۹۳) روابط ایران و دژ منطقه ای شورای همکاری خلیج فارس، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، شماره چهارم صص ۱۵۱-۱۸۲
۱۸. عبدالله خانی، علی (۱۳۸۳)، نظریه‌های امنیت؛ مقدمه‌ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول
۱۹. قریشی، سید جمال (۱۳۹۴) روابط ایران و عربستان فراسوی اعدام شیخ نمر، اندیشکده مطالعات حاکمیت و سیاست گذاری برگرفته از سایت <http://gptt.ir>
۲۰. کامران، حسن، کرمی، افشین (۱۳۹۳) بررسی روابط ایران و شورای همکاری خلیج فارس از منظر تئوری سازه انگاری، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی سال چهاردهم، شماره ۳۳ صص ۱۵۳-۱۶۹
۲۱. کرمی، کامران (۱۳۹۰) اهداف عربستان سعودی از اتخاذ رویکرد تهاجمی نسبت به سوریه برگرفته از سایت <http://www.fa.cmess.ir/View/tabid/127/ArticleId/1297.aspx>
۲۲. کرمی، کامران (۱۳۹۲) عربستان و بحران سوریه، از سیاست تهاجمی تا رویکرد سیاسی - منطقه ای <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13920313001108>
۲۳. مسعود نیا، حسین (۱۳۷۸) آمریکا و جنگ ایران و عراق، از ادعای بی طرفی تا مداخله علنی، فصلنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره دوم صص ۱۷۶-۱۹۵
۲۴. نجابت، علی، موسوی، سیده راضیه، صارمی، محمدرضا (۱۳۹۵) راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال نهم، شماره ۳۳، بهار ۱۳۹۵، صص ۱۷۹-۱۳۷
۲۵. نجات، سید علی (۱۳۹۳) راهبرد های جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی در قبال بحران سوریه فصلنامه سیاست خارجی، سال بیست و هشتم، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۳، صص: ۶۳۱-۶۵۵
۲۶. نعیمی ارفع، بهمن (۱۳۷۰) مبانی رفتاری شورای همکاری خلیج فارس در قبال ایران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل، چاپ اول
۲۷. نیاکویی، سیدامیر، بهمنش، حسین (۱۳۹۱) بازیگران معارض در بحران سوریه: اهداف و رویکردها، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۴، سال چهارم صص ۹۷-۱۳۵
۲۸. واعظی، محمود (۱۳۸۹) شورای همکاری خلیج فارس: سیاست خارجی و روندهای داخلی، پژوهش ۲۸، پژوهشکده تحقیقات راهبردی

# Political Cooperation between Iran and the Persian Gulf Cooperation Council

Ghaffar Zarei<sup>1</sup>, Ebrahim Eram<sup>2</sup>

1- Assistant Professor, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran.

2- PhD Student, Department of Political Science, Lamerd Branch, Islamic Azad University, Lamerd, Iran.

---

## Abstract

Cooperation and political confrontation between Iran and the Persian Gulf Cooperation Council countries due to the crisis and Regional implications of President Hassan Rouhani of the major goals of our study. In the course of almost four years of intense, especially with an emphasis on regional political issues of geopolitical confrontation with Sunnis and Shiites were entering a new phase. The Iranian government with the aim of reducing tensions and seeking peaceful settlement of disputes and regional conflicts create new political and cooperation in the Middle East, especially the Persian Gulf is. In this context, two key countries in the confrontation between Iran and Saudi Arabia, Yemen, Bahrain and Syria following new categories of political Among the regional players on the one hand and the preservation and development of regional power in order to maintain its strategic location on the other hand are. The underlying assumption is that political cooperation due to political crises and tensions have arisen area Dropped and political parties are limited and are confined. Saudi Arabia, Bahrain and Yemen and supported the attack on the terrorists in Syria to stop Iran welcomes the creation of pro-government

**Keywords:** Iran, Security, Nuclear File, Persian Gulf Cooperation Council

---